

مقاله برگزیده: کارگران سایبری مولود رو به رشدی از طبقه کارگر - حسین اکبری

بحث کارگران سایبری و آنلاین موضوعی است که در این موقعیت باید بطور جدی مورد توجه اندیشمندان طبقه ی کارگر قرار گیرد. موضوع تشکل یابی این دسته از کارگران شاید بیش از هر گروه دیگری از کارگران قابلیت فرارویی از قوه به فعل را داشته باشد چرا که ارتباط آنلاین این دسته از کارگران و شناخت آنها از امکان رسانه و یافتن گروه های هم صنف و هم حرفه به مدد توانایی و تخصصی که در استفاده از تکنولوژی رسانه ای دارند، در نوع خود بی نظیر و ممتاز است.



کارگران سایبری مولود رو به رشدی از طبقه کارگر

پیش از ورود به موضوع این نوشته را تقدیم می‌کنم به جواد موسوی خوزستانی که در سال 1382 با قلم توانای خود موضوع کارگران سایبری را بنام “کارگران نوین” در نوشتار “موس” به جای پتک؛ در رسانه های ایران مطرح کرد. امید که هر جا هست؛ سلامت باشد.

در سالی که کرونا این بیماری عالمگیر بیداد کرده‌است، طبقه کارگر جهانی شاهد مولود رو به رشد و بالغ شونده ایست که از سوی روشنفکران این طبقه تلاش برای هویت بخشی و شناخت جایگاه آن از اهمیتی بیش از گذشته برخوردار شده است.

بسیاری از مقالاتی که در ارتباط با این هویت بخشی منتشر می‌شود و به فارسی برگردان شده است و یا بوسیله پژوهشگرانی چون آقای سعید رهنما به آن پرداخته شده و ذیل عنوان “اقتصاد دانش بنیان” توضیح داده می‌شود تا هم بیانگر شیوه نوین اقتصاد سرمایه‌داری در عصر دیجیتال باشد و هم نشان دهد که نیروهای مولده در اقتصاد دانش بنیان از چه ویژگی و جایگاهی برخوردارند و در نهایت تکلیف آنها در طبقه کارگر روشن گردد و به تبع آن سازماندهی مبارزاتشان همپای مبارزات دیگر بخش های طبقه کارگر دیده و درک و حمایت شود.

واقعیت آنست که از سالها پیش این موضوع ذهن من را به خود معطوف داشته است و اولین گفتگو در این باره در میزگرد اجتماعی با عنوان “توسعه تکنولوژی و تحول نیروی کار در ایران” به کوشش آقای جواد موسوی خوزستانی در کتاب توسعه شکل گرفت که آنهم به خاطر مقاله ای به قلم آقای خوزستانی در کتاب کارمزد با عنوان “موس” به جای پتک؛ نوشته شده بود. جلوتر به آنچه در این گفتگو بنظرم آمد خواهم نوشت.

بعدها بنا به ضرورت هایی اشاراتی به موجودیت کارگران سایبری (نه مشخصا تحت این عنوان) شده است. اما آنچه موجب گردید بطور مشخص این تحول اساسی را در طبقه ی کارگر دیده شود ناگزیر از نقشی است که کارگران در تولید و خدمات اجتماعی در اقتصاد دانش بنیان دارند و آنجا که زندگی تحت تاثیر دنیای رو به گسترش دیجیتال سامان می یابد و هرآنچه در فرایند تولید و مصرف مشاهده می‌شود به نوعی همراه با این تاثیر گذاری فزاینده است. ما را وا می‌دارد که موجودیت کارگر سایبری و اشکال مختلف خودنمایی آن را به درستی درک کنیم و بشناسیم.

پیش از هرچیز باید گستره بکارگیری نیروهای کار را در روابط کار در این عرصه شناخت تا روشن شود در چه عرصه هایی این نیروها، کارگر سایبری شناخته می‌شوند. اگر بطور کلی انواع کار را بر دو بخش تولیدی و خدماتی تقسیم کنیم دریافت این موضوع که کارگر سایبری در نوع تولیدی کار چه کسانی را شامل می‌شوند کمی آسانتر است، زیرا همه کارگرانی را که در خدمت تولید کالایی در ارتباط با نوع خاصی از تولید فعالیت دارند به اعتبار نقش مستقیم آنها در ایجاد ارزش بهتر میتوان شناخت به عنوان مثال کلیه طراحان و برنامه ریزان مزد و حقوق بگیر که دارای مهارت و تخصص و خلاقیت کار با ابزارهای نوین تکنولوژیک را دارند، با گستره ای در همه ی رشته های صنعتی از نخایر و معادن گرفته

تا صنایع پتروشیمیایی، کارخانجات صنایع فلزی و موتوری و صنایع پلاستیک، خطوط فرآوری و تولید دارو، صنایع بسته بندی، انواع واحدهای تولید و ساخت کشتی و هواپیما و خودرو گرفته تا صنایع مادر و امکانات و وسایل تولید انرژی و توربین ها و ژنراتورهای تولید برق و غیره، میدان فعالیت کارگران سایبری هستند و در بخش خدمات نیز فعالیت چشم گیر این نیرو برای تسهیل و سرعت گردش کالا و خدمات و سایر کارها در این رابطه که منجر به خلق ارزش می‌گردد، قابل تسری است. شاخص ترین فعالیت این نیروی کار را می توان در سیستم مسافرت در شهر ها و بین شهری با شرکت هایی چون اسنپ و تپسی کشور خودمان شناخت. این اما در بخش های ارائه خدمات به فعالیت های بیشتر یدی هم سرایت می کند که انواع پیک موتوری ها و رانندگان خودروهایی ک به خدمت شرکت های خدماتی در می آیند را نیز شامل می‌گردد. شاید بتوان در بخش خدمات بسیاری از عرصه‌های شناخته شده ولی پراهمیت در ایران را به زودی شاهد نبود اما در جهان بزرگترین شرکت هایی که به غول‌های رسانه ای معرف حضور کارگران بیشماری در دل خود هستند.

اگر بخواهم به پیشینه این بحث بطور مختصر بپردازم بی شک باید به کوشش جواد موسوی خوزستانی در در شناساندن این موضوع مبداء و بررسی های آغازین هویت شناسی کارگران جدید بدانم.

در میزگرد توسعه تکنولوژی و تحول نیروی کار در ایران در پاییز 1382 گفتگو به دنبال انتشار نوشته ی خود مناظره گر آقای خوزستانی برای تعیین هویت بخشی از نیروی کار که به جای “پتک”، “موس” و کامپیوتر در دست داشت گفتگویی بین حاضرین در گرفت و این پرسش محور اصلی میز گرد بود که آیا موس به جای پتک نشسته است؟ و آیا این جانشینی مفروض است یا نه؟

آنچه در آن میزگرد از سوی من مطرح بود، پرداختن به این موضوع بود که: ما وارد بحثی شده ایم تا هویت طبقاتی نیروهای جدید موجود در بازار کار را بازشناسی کنیم نیروی جدید وارد شده در بازار کار هویت دیگری جز هویت کارگری ندارد. عنوان دادن کارگر نوین هم به این نیرو به دلیل نوع ابزار پیشرفته تکنولوژیک آن عنوان درستی نیست چرا که درک مارکسی از نوین بودن طبقه کارگر نه تغییر ابزار وی که به شناخت و درک درست شیوه مبارزات صنفی و طبقاتی اوست. همانگونه که اتوماسیون به حذف کارگران منجر نشد تکنولوژی دیجیتال هم تغییری در ماهیت این نیرو نمی دهد.

که: کارگران نیروهایی هستند که با عرضه ی نیروهای فکری و یدی و توامان این دونیرو به خدمت تولید ارزش در می آیند. گرچه تعریف این نیرو در گذشته چیز دیگری بوده است اما از دیدگاه مارکس و انگلس باتوجه به آنچه در مانیفیست شاهدیم تعریف از طبقه کارگر و سرمایه دار با قید زمانی معاصر همراه بوده است. بوروازی معاصر و یا پرولتاریای معاصر و این بدان معناست که هم بورژوازی و هم پرولتاریا تابع دیالک تیک و تکامل خواهندبود و طبعا بهر میزان که بورژوازی و تلاش او برای خلق ارزش افروده از راه استثمار طبقه ی کارگر پیچیده تر گردد طبقه کارگر نیز با دگر گونی هایی شامل این تکامل خواهد شد.

آنچه موجب نشد تا این تحول در طبقه ی کارگر بطور جدی مورد توجه بیشتری قرار گیرد موضوع کمیت این بخش از طبقه ی کارگر و عدم جذب آن در تاثیر آن در مبارزات صنفی طبقاتی کارگران و

بود. بیشتر متاثر از کمیت این نیروی کار که با ابزار های نوین کار می کنند چنین استنباطی وجود داشت که گویا این پدیده ماوس به دستان جایگاهی کلیدی ندارند. اما امروزه به ویژه با پاندومی کرونا این امر نه تنها از نقطه نظر کمی که از نظر کیفی نیز اهمیت بسیار جدی پیدا کرده است و می تواند این نوید را بدهد که در آینده پی از کرونا عم سازمان کار را از خود متاثر سازد.

اکنون آنچه دیده می شود این است که مارگران بسیاری که دارای ابزار اولیه کار (انواع کامپیوتر از کامپیوتر های پیشرفت تا حتی یک گوشی پیشرفته) را در اختیار دارند می توانند به حساب خود ولی به سود کارفرمایان وارد بازار کار شوند و با دریافت نوع خاصی از دستمزد های توافقی کار کنند.

از آنجا که ممکن است کسانی بگویند چون این دسته از نیروهای کار خود صاحب ابزار هستند پس جزو طبقه کارگر قرار نمی گیرند و مثلا خویش فرما محسوب می شوند و در اقشار و لایه های میانی و خرده بورژوازی هویت می یابند تلاش می کنم نادرستی این نسبت هویتی را نشان دهم.

از دیدگاه من این دسته از نیروهای کار بخشی از کارگران هستند که هم خود و هم ابزارشان مورد بهره برداری کارفرمایان قرار می گیرد. این ها کارگران افزارمند هستند که از افزار آنها نیز استفاده (استثمار) می شود و بابت آن هیچ مبلغی نیز به کارگر پرداخت نمی گردد این هزینه ها بطور معمول در بنگاه ها وجود دارد و با بکار گیری کارگران افزارمند این هزینه ها از کافرما ساقط میشود. تعدادی از آنها را به شرح زیر می آورم:

هزینه مصرف انرژی (از هر نوع)

هزینه ی خرید آن ابزار که نیروی کار دارنده ی آنست

هزینه ی تعمیر و مراقبت دوره ای و یا تعمیرات تصادفی

هزینه ی خرید ابزار های جانبی مثل انواع نرم افزار ها

هزینه ی خرید اینترنت برای آنلاین بهنگام

خرید وسایل حمل و نقل در کارهایی شبیه اسنپ در حوزه های حمل مسافر و کالا و غیرو و همه ی هزینه های مترتب بر تعمیر و نگهداری و علاوه بر آن عوارض و مالیات بر آن امکان سرمایه ای

اینها و هزینه های نامرعی دیگری که کارگران افزارمند از حساب خود ولی به سود کارفرما می پردازند که در گذشته و هم اکنون هم در فابریک هایی که این نیروها را در محل کار شاغل هستند؛ به وسیله خود صاحبان سرمایه تامین می شده و می شود. از طرفی آن ویژگی را که یک خویش فرما یا سرمایه دار خرد را شامل می شود از کارگران افزارمند پیشاپیش ستانده شده است چرا که این امکانات در یک بازه زمانی از دست خواهد رفت و به آن جهت که کارفرما هیچ تعهدی در قبال تامین آن برای کارگر ندارد و از سوی دیگر میزان دستمزد پرداختی امکان سرمایه ای (پس انداز لازم) را برای کارگر افزار مند به راحتی فراهم نمی سازد در نتیجه طی مدتی ممکن است این امکان نیز از دست برود .

موضوع دیگری که در این گونه روابط کار فاقد آنست ؛ نبود تعهدات قانونی است که بطور مشخص از طریق قوانین موجود می تواند برای کارگران شاغل در بنگاه بکار بسته شود ؛ موضوع بیمه ، آسیب ها و بیماری های شغلی ، سختی کار و نبود همه ی امتیازاتی که در بنگاه وجود دارد ولی این کارگران از آن محروم هستند . و چنانچه بخواهند بخشی از این امتیازات را برای خود ایجاد کنند نیز باید هزینه اش را از محل همان دستمزدناشی از قرارداد تامین کنند . در چنین شرایطی کدامین امتیاز موجود می تواند جایگزین امتیازات کار در بنگاه (محل کار از کارگاه و کارخانه گرفته تا کارگاه های غیر ثابت خدماتی و) گردد ؟

با وجود بیماری کرونا حتی کسانی که در محل های کار مشغول فعالیت بوده اند و ناچار از دور کاری شده اند نیز به تدریج با ورود به قرن جدید یعنی از سال 1400 به این سو متوجه می شوند که کارفرمایان از پرداخت حق بیمه های آنان سر باز زده اند و خود بخود به شیوه ای با این نیروها ادامه ی کار می دهند که عملا آنها را از قرار دادهای رسمی موجودشان خارج و در شرایطی جزحضور در محل کار از کار آنها بهره برداری کنند. این گونه برخورد های ظالمانه در کارهای خدماتی به ویژه در امور فرهنگی به شدت رایج گردیده است از معلمان حق التدریسی در مدارس خصوصی تا بنگاه های نشر کتاب و کلیه کارگرانی که امکان کار آنها به صورت دورکاری و در منازل به ناچار فراهم گردیده است .

بحث کارگران سایبری و آنلاین موضوعی است که در این موقعیت باید بطور جدی مورد توجه اندیشمندان طبقه ی کارگر قرار گیرد. موضوع تشکل یابی این دسته از کارگران شاید بیش از هر گروه دیگری از کارگران قابلیت فرارویی از قوه به فعل را داشته باشد چرا که ارتباط آنلاین این دسته از کارگران و شناخت آنها از امکان رسانه و یافتن گروه های هم صنف و هم حرفه به مدد توانایی و تخصصی که در استفاده از تکنولوژی رسانه ای دارند، در نوع خود بی نظیر و ممتاز است.

* تصویر طرح پشت جلد چهارم و پنجم کتاب “کارمزد” است .

منبع: وبلاگ کار در ایران

<https://kargareirani.blogspot.com>
